

دکتر غلامعلی افروز

# تربیت اجتماعی انسان از دیدگاه قرآن

انسان اصالتاً "موجودی است اجتماعی، هوش، استعداد، توانمندیهای بالقوه و خصیصه های شخصی انسان در فرایند زندگی اجتماعی و تعامل بین فردی ظاهر شده، شکل می گیرد. رشد و کمال و شکوفایی ابعاد وجودی انسان نیز تنها در سایه زندگی جمعی و پذیرش مسؤلیت اجتماعی میسر می گردد؛ چرا که انسان اساساً "هوشمند و مختار، صاحب اراده و بالطبع مسؤول و متعهد آفریده شده است. بر این اساس همواره در هدفهای کلی تعلیم و تربیت بر جنبه های اجتماعی آن تأکید گردیده است. لذا خود شناسی، برقراری روابط مسؤولانه و مفید و معالی با دیگران، پذیرش مسؤولیتهای اجتماعی و نیل به کفایتهای اقتصادی، از مهمترین هدفهای تعلیم و تربیت است.





اساس مکتب اسلام نیز مبتنی بر اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی است. در واقع بزرگترین رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز در تربیت اخلاقی و اجتماعی انسانها خلاصه می شود. "إِنَّمَا بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ" من برای کمال بخشیدن به صفات و فضائل اخلاقی برگزیده شدم. به بیان دیگر اگر بگوئیم که اسلام دین کمالات اخلاق فردی و اجتماعی است، سخن حقی گفته ایم، به گونه ای که پیامبر (ص) می فرماید: هرکس از ادب و حسن خلق بهره ای ندارد، نمی تواند متدین باشد. حُسْنُ الْأَخْلَاقِ نِصْفُ الدِّينِ؛ خوش اخلاقی نیمه و جلوه دین است. به فرموده پیامبر (ص) آدم بد اخلاق و بد رفتار به بهشت راه پیدا نمی کند. خوش اخلاقی و رفتارهای مطلوب اجتماعی

برخورداری از چهره گشاده و متبسم، پیوندهای عاطفی و دوستیها را مستحکم و استوار می کند: "حُسْنُ الْأَخْلَاقِ رُبُّ الْمَوَدَّةِ"

انسانی که از خلق و خوی نیکو و رفتار پسندیده اجتماعی بی بهره است، خود بخوبی در می یابد که دیگران هرگز از صمیم دل وجود او را نمی پذیرند و اگر مجبور به تحمل حضور او در جمع خودشان می شوند هرگز به معنای برقراری یک رابطه مؤثر و پیوند درونی و متقابل نیست. درحقیقت در این قبیل شرایط بیش از آن که دیگران به لحاظ احساس ناخوشایندی که نسبت به فرد بد اخلاق، متکبر، بد رفتار و خود محور دارند معذب شوند، خود فرد، در اثر وجود نگرشهای منفی، احساسات طرد آمیز نهفته و امواج ناخوشایند روانی که از همه طرف متوجه شخصیت اوست، فوق العاده دچار فشار روانی و عذاب درونی می گردد. الحق که الگوی کامل حسن خلق و مری اخلاق، پیامبر بزرگوار (ص) نیکو فرموده اند که: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسِهِ، هر که اخلاقش نامیمون باشد، بیش از دیگران خودش را عذاب و آزار می دهد.

قرآن کاملترین کتاب تربیتی و اخلاقی است و جامعترین هدفها و روشهای تربیتی در انبعاث فردی و اجتماعی را در بردارد.

روشها و دستورالعملهای تربیت اخلاقی و اجتماعی قرآن مبتنی بر ویژگیهای فطری و قوانین حاکم بر نفسانیات انسان است. به عبارت دیگر از آن جایی که خالق انسان بر همه آشکار و نهان، نیازها، تمایلات و کششهای نفسانسی انسان کاملا آگاه و علیم و بصیر است، بالطبع در جهت تربیت و تکامل شخصیت فردی و اجتماعی مسائلی را متذکر شده، روشهایی را

ورود، بر اهل خانه سلام کنید؛ این شیوه برای شما بهتر است، شاید که پند گیرید. و در قسمتی از آیه ۶۱ سوره نور می فرماید:

فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَاسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً  
وَمِن عِندِ اللَّهِ يُبَارَكُ لَكُمْ فِيهَا طَيِّبَةٌ . . . هرگاه به  
خانه ای وارد شوید، بر یکدیگر سلام کنید؛ این  
تحیتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا.

بدون تردید آداب و ترتیبی که خداوند  
برای یک زندگی بر مهر و در عین حال استوار، و  
برفراری روابط حسنه خانوادگی و اجتماعی مقرر  
داشته است، همگانی بوده و مسوولیت متقابل  
را متوجه افراد می نماید. این مهم در همه  
زمینه های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و قضایی  
و غیره به وضوح مشخص است. مثلاً "رشوه  
دهنده و رشوه گیرنده هر دو مسوول هستند،  
غیبت کننده و گوش دهنده به غیبت هر دو در  
عذاب هستند، ظالم و مظلومی که تن به ظلم  
می دهد هر دو مسوولند و . . . درازت بساط  
با مسائل اخلاقی و آداب و سلوک اجتماعی نیز  
به همین فرار است، یعنی نه تنها سلام کردن  
هم امری است دوطرفه و متقابل، بلکه در  
این جا مسوولیت طرف مقابل کمی بیشتر  
است. آن که سلام می کند سنت نیکویی رازنده  
نگه می دارد، ولی برای مخاطب، پاسخ سلام  
آن هم مرجحاً" به شیوه ای زیباتر به عنوان یک  
ضرورت و امر واجب تلقی می گردد.

وَإِذَا خِطَبْتُمْ فَسَلِّمُوا بِأَحْسَنِ مِنهَا وَرَدُّهَا  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . (سوره  
نساء ۵۹)

هرگاه به شما سلام دادند، به سلامی بهتر  
از آن یا همانند آن پاسخ گوئید، همانا خداوند  
به همه چیز دانا و حسابگر هر چیزی است. در  
این جا نکته بسیار زیبا و ظریفی نهفته است.

بیان می دارد که به طور کامل منطبق بر  
ویژگیهای فطری و استعدادهای طبیعی انسان  
است.

قرآن در توجه به مسائل اخلاقی و روابط  
اجتماعی انسانها، نمونه هایی از رفتارهای  
اخلاقی و اجتماعی را متذکر می گردد که اگر  
نیگو نگیریم، مفید بودن به آنها اساس رسد  
مطلوب شخصیت، بهداشت روانی و سعادت و فلاح  
انسان را فراهم می کند و بی توجهی به آنها  
زمینه آسب پذیری شخصیت، فساد اخلاقی،  
ناسازگاری و بزهکاری اجتماعی، خود محوری و  
بیماریهای روانی را فراهم می سازد.

در این جا سعی می کنیم طی چند مقاله بسنه  
نمونه هایی از دستورالعملهای اخلاقی قرآن که  
در آن مسوولیتهای خطیر فردی و تقید به  
رفتارهای اجتماعی را یادآوری می شود، اشاره  
نماییم.

### سلام و تحیت

سلام در لغت به معنای سلامت، نینیت،  
درود، صلح و آسبی، تعظیم و تکریم است.

" سلام " خود یک فرهنگ پویا و حلقه  
بیوند عاطفی و اجتماعی نزد مسلمانان است.  
سلام نقطه آغاز و پایان روابط انسانی است.  
قرآن گرس بر حفظ چنین رفتار مطلوب اجتماعی  
نابند فراوان دارد. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ  
تُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا، ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ (سوره نور ۲۷)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، هر  
زمان که می خواهید وارد خانه کسی شوید قبل  
با معرفی خودتان اجازه بگیرید و به هنگام

فروتنی و نغی کبر و غرور و سنش جاهلانه است ، بلکه خود سرمشق خوبی برای تمرین مهارت‌های کلامی و اجتماعی است . بدیهی است توحیح و انتظار "سلام" از دیگران هرگز نمی‌تواند از اخلاق پسندیده اجتماعی باشد . و به‌خاطر آن که بعضاً "کودکان را مجبور کنیم که به ما سلام دهند ، شایسته بر این است که ، خود با ناهسی از پیامبر بزرگوارمان صلی الله علیه و آله وسلم ، همیشه با چهره‌ای گشاده و متبسم و سلام کردن به آنها ، همچون الگوی نیکویی از شخصیت رشد یافته و قابل اطمینان ، اعتمادآنان را جلب کرده ، سلام کردن را به عنوان یک رفتار خوشایند و مطلوب در ایشان تقویت کنیم . اما باید به‌خاطر داشته باشیم که پاسخ سلام دیگران را با زبان و کلام بهترین بدهیم . گرجه تقدم در سلام رفتاری است فوق العاده مطلوب و پسندیده ، اما همان طوری که اشاره شد نباید از دیکسیران توقع سلام داشت و یا کودکان را مجبور کرد که سلام بدهند . رسول خدا (ص) فرمود : **السَّلَامُ تَطَوُّعٌ وَالرَّدُّ قَرْبِضَةٌ** ، سلام کردن به دلخواه است اما جواب سلام واجب است .

کلمه سلام از مقدس‌ترین کلمات است ، از پیامبر بزرگوار (ص) نقل شده است که :

سلام نامی از نامهای خداست ، آن را در زمین به امانت نهاده است ، پس سلام را در میان خودتان هاش کنید .

**"السَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّيْثِ وَصَعَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ كَأَفْشُوهُ بَيْنَكُمْ" . . . ۵**

سلام خود یاداشی است برای بندگان صالح خدا . از رشد یافتگان و راهبان بهیست با "سلام" و تحیت استقبالی مسی شود . **وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ . . . أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقَوْنَ فِيهَا جَنَّةً وَسَلَامًا** (سفران ۷۵)

زمانی که شما پاسخ سلام کسی را به زبان و بیان زیباتری می‌گوئید ، قطعاً سلام دهنده نه تنها یاداش سلام خود را دریافت می‌کند ، بلکه راغبتر می‌شود که این عادت مطلوب و اجتماعی را همواره حفظ نموده ، سعی کند گسسه همیشه تقدم در سلام کردن را رعایت کند . چنین شیوه‌ای ، یعنی پاسخ نیکو بسه سلام دیگران گفتن ، در ارتباط با کودکان و نوجوانان فوق العاده حائز اهمیت است ، با توجه بسه این که غالباً سبب رفتارهای ناسی گسسه ازماسر می‌زند ، از روی یادگیری است و یادگیری نیز بخصوص در کودکان مبنی بر تقلید و مشاهده رفتار اطرافیان می‌باشد ، بالطبع در خانواده‌های مسلمان از اولین کلماتی که کودکان به زبان می‌آورند "سلام" است . زمانی که در پاسخ "سلام" کودکان ، رفتار مطلوب کلامی آنها را با سلام و کلمات تشویق کننده ای مورد ناهسی قرار می‌دهیم ، آنها می‌آموزند که در ارتباطات بین فردی "سلام کردن" را که نشانه بیک شخصیت متعادل و متعالی است حفظ کنند .

در سلام کردن به کودکان و نوجوانان هرگز نباید مضایفه کرد . از رفتارهای بسیار قابل توجه پیامبر (ص) وائمه اطهار علیهم السلام ، تقدم در سلام به‌طور اعم و سلام کردن بسه کودکان و نوجوانان بوده است . لذا هنگامی که با کودکان مواجه می‌شویم شایسته است که با بیسی گرفتن در سلام ، حضور خودمان را اعلام کنیم و با این روش وجود ما برای کودکان بیشتر قابل اعتماد و اتکا می‌شود . در واقع بهترین شیوه در برقراری ارتباط با دیگران با زیباترین کلام یعنی "سلام" آغاز می‌شود . تفسدم در سلام کردن نه تنها به عنوان یک رفتار نیکوسو مورد توجه بوده و نشانگر رشد شخصیت ، خشوع ،



در سلام دادن بخل ورزد .

"سلام" روزنه رحمت و مغفرت پروردگزار است : **رَأَى مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدَلُ السَّلَامِ وَحُسْنُ الْكَلَامِ**؛ بشارتی است از رسول حق (ص) که از موجبات رحمت و آمرزش الهی ادای سلام و نیکی گلام است .

و همچنین پیامبر بزرگوار (ص) فرمودند : هر کس که کلام و حاجت خویش را با سلام آغاز می-کند ، از تکبر و غرور بر کنار است : **الْبَادِيُّ بِالسَّلَامِ بَرِيءٌ مِنَ الْكِبْرِ** ۱

کمال دین و زینت ایمان سلام است . **لَا تَسْتَكْمِلُ الْعُنْدَ الْإِيمَانَ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ ، الْإِنْفَاقُ مِنَ الْأَقْبَارِ وَالْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِهِ وَبَدَلُ السَّلَامِ** . حضرت محمد (ص) فرمودند که تا سه صفت درینده ای جمع نباشد ، ایمان او کامل نشود ، صدقه دادن به هنگام تنگ دستی ، رعایت انصاف ولو علیه خویشین ، و سلام بسیار کردن .

سلام نکه کلام مسلمین است و پیام رحمت و مؤمنین .

سلام ، درود ملت ما و حافظ ذمه ماست ، **السَّلَامُ نَحِيَّةٌ لِمِلَّتِنَا وَأَمَانٌ لِدِينِنَا** ۲ (پیامبر اکرم ص) و "سلام" رحمت حق و پاداش صالحان ، صلوات و تحیت خدا و فرشتگان و مؤمنین

بر نبی اکرم (ص) و جنم و ادای هر نمازی است . **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

سلام و رحمت خدا بر نبی حق (ص) باد سلام بر مسلمانان و بر بندگان صالح خدا سلام و رحمت و برکات خدا بر شما **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ أَمَّا صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ** ۳

آن (عباد الرحمن) همان کسانی هستند که به خاطر صبری که تحمل کرده اند غرفه های بهشت را پاداش ببینند و در آن جا به درود و سلامشان بنوازند .

"سلام" خود هدیه و صدقه نیکی است . پیامبر (ص) در این ارتباط چنین گفته اند : **مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَأَنْتَ تَطْلُبُ الْوَجْهَ**؛ از جمله صدقه این است که به مردم سلام کنی و همواره گشاده رو باشی .

همیشه سلام کردن و تقدم در سلام ، خود یک صدقه جاریه و طلب همیشه نعمت و رحمت خداست .

آنگاه که در عصر جاهلیت ، انسانها بعضاً در برخورد با یکدیگر شمشیر از نیام برکشیده و از کنار هم می گذشتند ، پیامبر اکرم ، رسول رحمت "ص" "سلام کردنها" را جانشین شمشیرها نمودند و آن قدر در این امر تأکید داشته و خود پیش قدم بودند که بر رهروان راستین ، سلام کردن را یک فریضه الهی می دانستند ، سپس در بیخ است که ما به عنوان پیروان پیامبری که مهر و محبت و دوستی را جایگزین شمشیرها کرد ، بعضاً در برخورد با یکدیگر با شمشیرهای مخرب و آزار دهنده تری همچون احم و نخوت ، بدخلفی و سوء ظن از کنار هم بگذریم .

**إِسْوَالُ السَّلَامِ بَيْنَكُمْ تَحَابُّوا** ، پیامبر رحمت که درود خدا بر او باد فرمودند : "سلام" را آسکار کنید تا رسته محبت و دوستی استوار شود .

هرگز شایسته نیست که در سلام کردن که خسود بدرافشانی مهر و محبت و دوستی است مضایقه کنیم . به قول نبی اکرم (ص) **إِنْ أَبْغَضَ النَّاسُ مِنْ بَحْلِ بِالسَّلَامِ** ، بخیل ترین مردم کسی است که

## گفتار نیکو

"سلام" گرم و صمیمانه، کلامی نرم و روفیقانه می طلبد. مگر می شود انسان زمانی که با کسی با جمعی روبرو شده، یا وارد محفل و مجلسی می شود، پس از ادای سلامی که آغاز گره‌ازنباط مفید، مؤثر و خدایی است، بازبازی نرم و نیکو سخن نگوید؟ شاید این همه‌تاء کیدی که برحفظ عادت مطلوب و رفتار پسندیده کلامی، یعنی بقدم درس‌لام شده است مهمترین دلیلش ایجاد آمادگی ذهنی و روانی برای شروع کلامی سوده‌مبند و مؤثر و دلنشین باشد.

نیکو سخن گفتن و سخن نیکو گفتن از ویژگیهای اولیای الهی و مؤمنین وارسته است. گفتار از بارزترین شاخصهای هوشمندی و معیارهای سنجش شخصیت فردی و اجتماعی است. همواره رابطه مستقیمی بین شخصیت، هوش، مهارت اجتماعی، میزان اعتماد بسه نفس، احساس خود ازشمندی و جکونگی گویش فرد وجود دارد. انسانهای رشد یافته و وارسته، کسانی که از مهارت اجتماعی بیشتری برخوردارند، آنانی که اعتماد به نفس بیشتری دارند، رشد یافتگانی که برای خودشان و دیگران ارزش فائل بوده، هدف معین و جهت مشخصی را در زندگی دنبال می کنند، همواره سنجیده و پسندیده، با منطق و زبان نرم و نیکو سخن می گویند. برای وابستگان به مکتب و وارستگان از خود محوریهها، منطق فسران زیباترین شیوه سخن گفتن است.

... وَكَلَّمَكَ إِنَّا كَيْفَ نَبْطِقُ بِالْحَقِّ... (قرآن، مؤمنون، ۶۲)، در نزد ما کتابی است که منطقتش حق است.

بای بندی به منطقی استوار در سخن گفتن، بهره مندی از عفت کلام و گیرایی و زیبایی گفتار از ویژگیهای برجسته شخصیت‌های مطلوب و محبوب است.

زبان نه تنها از پایه‌های نخستین رشد شخصیت بوده و مهمترین وسیله پیوندهای عاطفی و اجتماعی و انتقال تجارب و معارف غیر مکتوب بشری است، بلکه اساسی ترین نقش را در پرورش احساسات عمده داراست. کودکان سخن گفتن را از اطرافیان بخصوص والدین می‌آموزند، وبالطبع نیکو سخن گفتن را هم یاد می‌گیرند. زمانی که زبان، از آفات نفسانی مضمون‌باشد و بی لطافت و طراوت و شیرینی و گیرایی محین شود، بیشترین تاء ثیر را بر ذهن و روان مخاطبین بجای می‌گذارد. اولیاء و مربیانی که در این مهم موفق هستند، بیشترین تاء ثیر را بر شخصیت کودکان و نوجوانان می‌گذارند.

قرآن به کرات برخوش‌زبانی و حسن کلام نکه نموده است. در بخشی از آیه ۸۳ سوره بقره می‌فرماید: وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا... با مردم به زبان نیکو سخن گویند. در جای دیگر، خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله می‌گوید: به بندگام بگو که به هنگام سخن گفتن کلماتی را به زبان بیاورند که نیکو و زیباست، چرا که شیطان همیشه در کمین است تا بین مؤمنین مباحره و دعوا ایجاد کند، زیرا که شیطان دشمن آشکار انسان است: وَقُلْ لِيَعْلَمِ يَقُولُوا لِيَعْلَمِ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ بَشَرٌ مِّمَّنْهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُّبِينًا (بنی اسرائیل، ۵۳).

الحق نیکوترین سخن را کسی بر زبان جاری می‌کند که جز حق نمی‌گوید و جز رضای خدا نمی‌جوید و به غیر او از کسی چیزی نمی‌خواهد: وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ

عَمَلٌ صَالِحًا" وَقَالَ رَبِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (فصلت ، ۳۳)

و به قول پیامبر اکرم (ص) حوشا به حال آن کسی که اختیار زبانش را خود دارد و جز حسنی نمی گوید: "طوبى لمن ملك لسانه"<sup>۱۳</sup>

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ، فَسِرُّهُ كَلَامُهُ وَأَعْرَضُهُ عَمَلُهُ الْعَمَلِيُّ وَالنَّمْرُومَةُ، فَإِنْ كَانَ لِلَّهِ وَفَى اللّٰهُ فَتَكَلَّمَ بِهِ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَالْكَوْثُ حَبْرُهُ! شخصیت انسان زیر زبان او پنهان است. قبل از آغاز گفتار کلامت را سبک و سنگین کن و با محک عقل و معرفت آن را بسنج ، پس اگر کلامت برای خدا و در راه رضای خدا باشد ، سخن بگو ، اگر آرزو را که می خواهی بگویی برای خوشنودی حق تعالی نمی باشد ، پس سکوت اختیار کن ، که آن بهتر است ! لَيْسَ عَلَى الْخَوَارِجِ عِبَادَةٌ أَحْسَنُ مَوْلَانَهُ وَأَفْضَلُ مَنَزَلُهُ وَأَعْظَمُ قَدْرًا "عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَلَامِ فِي رِضَا اللَّهِ وَلَوْ جَهَّهْ وَسُرَّالَانَهُ وَتَعَمَّائِهِ فِي عِبَادِهِ.

در نزد خداوند هیچ عبادتی آسانتر و کم زحمت تر و در عین حال والاتر و پرازتر است کلامی که در راه رضای او و جلب خوشنودی او و برای شرف و بیان نعمهایش به بندگان ، شایسته ، مؤثرترین وسیله برای ابلاغ رسالتهای الهی کلام است ، کلامی پرمغز و لسانی نرم و لطیف ، بیرواضح است که حسن لسان یا کلام نیکوزمانی می تواند مرضای الهی و عبادت بزرگ و یابسه فرموده پیامبر (ص) یا لاترین صدقه باشد کسه از روی صدق نیست ، صمیمانه و صادقانه و عاری از هرگونه آفات زبان همچون ریاء ، هیزه گویی ، دروغ ، غیبت ، ناسزاگویی ، استهزاء ، لجاحت ، افسای زان ، پیمان شکنی ، شایعه پراکنی ، نفرین بر مؤمنین و ... باشد .

پس " آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد ، با سخنی نیکو و اندک بگوید و با سکوت کند: " مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا " أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ (محمد رسول الله صلى الله عليه وآله) .<sup>۱۵</sup>

مسلمانان سخن نیکو گفتن خود عبادت است و ابلاغ رسالت و آرامش روان ، از مهمترین وظایف و مسوولیتهای خطیر مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر است . در انجام این مهم و ایفای این رسالت سترگ ، بیشترین نقش برعهده " زبان " است ، زبانی گویا ، زیبا و مؤثر .

حقیقت آن است که در زندگی روزمره ، زبان شفاهی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای دارد . در عبادت ، مراوده و مصاحبه ، تعلیم و تربیت ، بررسی و پاسخ ، بحث و گفت و شنود ، مشاوره و راهنمایی ، فیلم و سینما ، کار و تلاش و ارتباط اجتماعی ، کلام اساسی ترین عامل و وسیله است . پس چگونه ممکن است انسان به نقشش حیاتی " کلام " در زندگی اذعان داشته باشد و بر حسن جریان کلام (گوش زبانا و گویا) بی توجه باشد ؟ همان گونه که پیشتر ذکر شد قرآن کریم تاه کدی فراوان بر گفتار گزیده و نیکو دارد . زبان کلید سعادت و فلاح است و می تواند درجه تفاوت و بربرسانی باشد . " سکوت " زمانی سزاوار است که انسان بخواهد کلامی ناروا بر زبان آورد . به فرموده مولی علی علیه السلام ، آن جا که سخن برحق باشد گفته شود ، خاموشی سزاوار نیست ، این سکوت آنچنان باشد که به ناسزاوار سخن گفته شود .<sup>۱۶</sup> در این زمینه به روایتی از حضرت امین زین العابدین علیه السلام پیوسته می کنیم . از حضرت سجاده (ع) سوال شد که " سخن گفتن بهتر است یا سکوت کردن ؟ " حضرت فرمودند :

یکی از ابعاد کسرده رسالت بنام سبزر  
بزرگوار (ص) اتحاد نبودن همان عاطفی و احساسی  
و برقراری صلح و سازش در میان کزوبدگان، سبذ  
اسلام بوده است. در حقیقت حسن انبساطی  
تعهدات مکتبی و مسؤ و لاینهای احساسی ناسی  
از آن در گرو مهارت انسان در برقراری روابط  
مؤثر و متقابل با سایر افراد، اقوام و ملت هسا  
می باشد. به آنها ساینه است که انسانهای  
وابسته به مکتب و بیرو طریق فرآن بتوانند  
همواره در بیوندهای عاطفی - اجتماعی و ایجاد  
یک رابطه دوسانه و برقراری صلح و آشنی با  
دیگران براساس معیارها و ارزشهای الهی  
بیش قدم باشند، بلکه انتظار به حسق از  
انسانهای رسد یافته و مؤمنین آزاده این است  
ده همیشه در اندیشه ایجاد ارتباط و بیوندهای  
عاطفی و اجتماعی و تألیف قلوب فی مابین  
دیگران بر باشند. به دیگر سخن سحره حیات  
پربرکت یک انسان مؤمن و رشد یافته زمانی  
شکوفای می گردد که وجودش همچون حلقه مودت  
و رابط بین مؤمنین، و بیوند دهنده دلها  
باشد.

بدیهی است در این میان الگوهای رفتاری و  
کسانی که از مهارتهای اجتماعی بیستری  
برخوردار بوده، نزد دیگران محبوبست و  
مقبولیت قابل توجهی دارند، بیشترین  
مسؤ ولیت را عهده دار هستند.

ضرورت استمرار بیوندهای عاطفی و اجتماعی  
در عصری که هرروز شاهد رشد سریع تکنولوژی  
و پیچیدگی هرچه بیشتر زندگی شهری و فشارهای  
روانی و اجتماعی هستیم، بیش از پیش مسؤرد  
توجه و تأکید روان شناسان و صاحب نظران  
بهداشت روانی است. در دنیایی که رقابتهای  
فردی، رقابتهای، صمیمیتها و همزیگیها را کمربک

" برای هریک از آن دو (سخن و سکوت) آفانی  
است که اگر از آن آفات، درامان ماندند، سخن  
گفتن برتر از سکوت است." سؤال شد: "ای فرزند  
خدا، چگونه این طور می شود؟" فرمودند:  
" برای این که خداوند عزوجل، انبیاء و اولیاء  
را ما مور به سکوت کردن در میان قوم بنموده  
است و آنها به سخن گفتن و تبلیغ حق ما مسؤر  
بودند، و نیز کسی با سکوت کردن، ساینه  
بهست و مقام دوستی حق نمی گردد و نجات  
و حفظ از آتش و عتیم خداهم با سکوت میسر  
نست. همه اینها با کلام و سخن گفتن انجام  
می شود." سپس فرمودند: " در این سخن  
نمی خواستم کماه را با خورشید برابری کنم،  
زیرا که تو، فضیلت سکوت را با سخن گفتن  
نوصیف می نمایی، ولی برتری کلام را با سکوت  
کردن نمی توان وصف کرد." ۱۲

ربان در دهان ای خردمند چیست

کلید در گنج صاحب هنر  
چو در بسته باشد نداند کسی

۱۸  
که جوهر فروش است یا بیله ور  
زمانی که از "کلام" به عنوان مهمترین وسیله  
انجام عبادت و ایفای رسالت سخن می گوئیم،  
آنگاه که از "زبان" به عنوان کلید دروازه فلاح  
یاد می کنیم و زمانی که "گفتار" ما از نظر  
دیگران مبین شخصیت ماست، و هنگامی که  
از "کلام" به مثابه آرامش بخشی روان و نسکین  
دهنده آلام نام می بریم و زمانی که...

برماست که کلامان را با مهر و محبت و عطوفت  
عجن کرده، نرم ولین، گزیده و شیرین گوئیم.

ایجاد بیوندهای اجتماعی و برقراری صلح و  
سازش بین مؤمنین



برادران و خواهران مسلمان اختلاف نظر و کدورتی رخ داد، بر همگان لازم است تا آن حایی که برایشان مقدور است درجهت رفع کدورت و برقراری صلح و آشتی از هیچ کوششی فروگذار نباشند.

بیامیر رحمت صلی الله علیه وآله وسلم

می فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ النَّبِيِّ

بهترین صدقه ای که می توانید بدهید، برقراری صلح و صفا بین دو برادر مؤمن است.

بیامیر اکرم "ص" در طول حیات بر بسترت خودشان درجهت ایجاد پیوندهای عاطفی بین

مسلمانان و برقراری صلح و آشتی در بین افراد،

گروهها و اقوام مختلف بیشترین سعی و تلاش

را مبذول داشتند. تا شهر روانی شهر و کینه،

حسد و عداوت، به گونه ای است که بهداشت

روانی افراد مبتلا را مختل نموده، انرژی فعال

و خلاق آنها را محدود و محصور می کند. هرگز

از آدمی که بدخو، خصمانه مزاج، ستمگر و

شکننده، زود قهر و آشتی ناپذیر، حسود،

بخیل و کینه ای است نمی توان انتظار تعگیری

مولد و سازنده و خلافت ذهنی داشت. در روایت

دیگری از پیامبر بزرگوار (ص) آمده است:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ

وَالصَّدَقَةِ: صَلَاحُ ذَاتِ النَّبِيِّ، فَإِنَّ فَسَادَ

ذَاتِ النَّبِيِّ هِيَ الرَّحَالَةُ، می خواهید شما را از

عملی که از روزه و نماز و صدقه بالاتر است خبر

دهیم؟ آن عمل اصلاح میان کسان است، زیرا

فساد میان انسانها مایه هلاکت است.

در سخن دیگری می فرماید: مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ

سُنًّا "أَفْضَلُ" مِنَ الصَّلَاةِ وَصَلَاةِ ذَاتِ النَّبِيِّ،

وَحُلُقِ حَسَنٍ.

آدمی کاری بهتر از نماز و آشتی دادن میان

می کند، در دورانی که لجام گسیختگیهای فرهنگی، نفس برستیها و خود محوریتها، بیداد می کند، در شرایطی که بی تفاوتیها، بی مهریها، بیگانگیها و جداییها رویه تریاد است و احساس تنهایی، اضطراب و افسردگی از مهمترین بیماریهای روانی قرن حاضر محسوب می گردد. پیوند قلبیها و صلح و آشتی میان انسانها، والاترین اعمال و گرامی ترین ارمغانهاست.

ردودن کینه ها و پاک کردن عبار کدورتها مساو همسو کردن اندیشه ها و برانگیختن سوق دلها، بیالایش روان است و آرامش جان.

قرآن کریم پیامی مؤمنین را امربه ایحسان

و ناهیه و برقراری صلح و صفا در بین خواهران و

برادران مؤمن می نماید. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

(حجرات ۱۰) مؤمنان برادر یکدیگرند،

بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید،

و بخوای الهی بیسه کنید تا مشمول رحمت او

شوید. هرگز فرد مؤمنی نمی تواند شاهانه

اختلاف و نزاع برادران و خواهران مسلمان

خود باشد و بی تفاوت و آرام از کنار آن بگذرد.

فرمان خدا، چنین است که باید تلاش نمود تا

اختلاف موجود میان مسلمین را به نحو ساینده

برطرف کرد. برقراری روابط صمیمانه و رفیقانه

در بین اعضای خانواده، بالخصوص میان زن و

شوهر، خواهر و برادر، همسایگان و آشنایان،

ساکردان یک کلاس، کارکنان یک واحد آموزشی با

اداری و یا کارگاه فنی و حرفه ای و... از مهمترین

وظایف مسلمانان است.

قرآن حکوتکی ارباط و پیوندهای عاطفی و

احتماعی مؤمنین را در بالاترین سطح ممکن

یعنی "برادری" مطرح می کند. اگر زمانی بین

عبادات است پیدا کنیم ، باید همواره درگفتار و رفتارمان درخانه و مدرسه و اجتماع ، ازحریم عدل وانصاف خارج نکردیم . وقتی نیست و عملها خالص باشد ، الطاف وعنايات الهی شامل حال انسان شده ، رشته های مهرومخبت اورادر همه دلبهای باک قرار می دهد . در این شرایط است که کلامها نافذ بوده ، توصیه ها بسه دل می رسند .

با کمال تأسّف یکی از علل عمده تشنّت ، تک روی و گروه گراییها در صفوف مسلمین ، ویافهرهای خانوادگی وافزایش میزان طلاق وازهم پاسیدگی کانون خانواده ها ، عدم توجه و یا کم توجهی نیست به وظیفه مهم الهی در برقراری ارتباط وایحاد صلح و صفا فی مابین مردم در جامعه اسلامی است .

برمافرض است که با توجه هرچه بیشتر بسه این مسأله مهم اخلاقی - اجتماعی ، وبیشقدم بودن در این امر ، چنین احساس مطلوبی را در بین اعضای خانواده ، فرزندان و دانش آموزان خود به وجود بیاوریم .

گاهی دیده می شود برخی از افراد کددرجریمان کاسکهای خانوادگی که می تواند مقدمستای برای متلاسی شدن نظام خانواده و طلاق باشد ، فرار می گیرند ویا شاهد دعوا و فهر دوسنان و آسانان ویا همکاران هستند وبالفوه توانایی و نایستگیهای لازم را برای رابط شدن و برقراری بیوند مودت و دوستی و بیسگیری از بسیدید احساسات خصمانه دارا هستند ، صرفاً به بهانه "عدم مداخله" به کار دیگران حرکتی از خود نشان نداده و از ایفای رسالت مهم خود سانه حالی می کنند . بدیهی است دخالت درپردگی روزمره دیگران وتحسن در امور مردم امری است زشت و مذموم ، اما زمانی که شاهد فهر و

انسانها و نیک خوبی و خوش رفتاری نمی کند . وقتی که به بسکویی به آیات الهی و سخنان پیام آور رحمت محمد (ص) می نگریم ، گویا هیات مؤمن را دریک حلقه بیوند ترسیم نموده اند .

برخسته برین ویزگی مؤمنان ، خودشنسن داری ، حسن خلق و ایجاد بیوندهای عاطفی واجتماعی است .

مولد علی علیه السلام نیز در ضمن وصتی که به امام حسن و امام حسین علیهم السلام می فرماید ، بیشترین تأکید را بر ایجاد صلح و دوستی بین مسلمانان می نماید . . . اوصیکما ، وحبیب وندوی واهلی وامن بکلمه کتابی ، ینقوی الله ویتظم امرکم ، وصلاح ذات بینکم ، فانّی سمعتُ جدکما صلی الله علیه و آله وسلم ، یقول : " صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوة و الصیام . " من ، شما ونمام فرزندان و خاندانم و همه کسانی را که پیام من به آنها می رسد بسه تقوای الهی و نظم امور خود ، و اصلاح ذات البین سفارش می کنم ، زیرا که من از جد شما صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود :

اصلاح بین مردم از نماز وروزه برتر است . همان گونه که بیشتر اشاره گردید ، برداختن بسه مسائل ، مشکلات و روابط فهر آسبز و یا خصمانه بین مردم از مهمترین وظایف و مسوولیتهای مؤمنین آگاه و دلسوخته است . در این میان بیشترین مسوولیتها بر عهده اولیاء معهد ، مریان دلسوز و متفقان و مروحان دین و آرزهای قرآنی است . بدون تردید کسی می تواند مصلح باشد که جود به صلاحیتهای اخلاقی و رفتاری منصف و عادل باشد .

لذا برای این که نایستگی اصلاح گری را بناییم ونوفیق خدمت در این مهم را که از افضل

است که آنها برای انتخاب همسر مناسب و آشنایی با خانواده ها و خواستگاری نیاز به راهنمایی و مشاوره با افراد مؤمن و مورد اعتماد و رابطین مورد وثوق دارند. در این رهگذر به عقیده نگارنده این سطور معرفی و آشنا نمودن خانواده ها و طالبان واحد شرایط ازدواج بسیار یکدیگر ( به خصوص کسانی که دچار غربت می باشند ) بر اساس معیارها و ارزشهای الای اسلامی از مهمترین وظایف مسلمانان آگاه بالاخص ائمه جماعات ، مربیان و دبیران ، مدیران مدرسه و واحدهای سفلی و حرفه ای و اساتید مراکز آموزش عالی است .

السلام علیکم ورحمت اللہ

گریز ، تخاصم و بیرانگری در بین کسان و آشنایان مؤمن و مسلمان هستیم ، اتخاذ موضع بی تفاوتی و رویه سکوت و یا به اصطلاح عدم مداخله هرگز نمی تواند رفتاری مطلوب باشد .

بالاخره در شرایطی که ناهمسدگسترده گسی روند زندگی اجتماعی ، بزرگ شدن روستاها و بزرگتر شدن شهرکها به شهرهای بزرگ و پیوسته مهاجرینهای هدفمند بسیاری از جوانان به شهرهای بزرگ جهت ادامه تحصیل یا احراز مشاغل فنی و حرفه ای می ناسم ، مسؤولیت مؤمنین آگاه و دانشور در کمک به پیوندهای انسانی مضاعف می گردد . در واقع یکسری از مسائلی که بسفاری از خانواده ها ، مخصوصاً جوانان طالب ازدواج مطرح می نمایند ، این

یاورقیها :

- ۱- اگر در منزل کسی نبود ، باز هم به خودمان و فرستگان الهی سلام کنید .
- ۲- افضل الصدقة صدقة اللسان
- ۳- در این جا منظور از زبان شفاهی همان گفتار است . چرا که مفهوم زبان می توانست بسیار وسیع باشد . زبان غیر کلامی ، زبان اشاره ، زبان چهره و نگاه و ... از انواع زبان هستند .
- ۴- برخی از علما چنین ضرورتی را واجب کفایی می دانند . ( تفسیر نموده )
- ۵- با کمال تأسف در شهرهای بزرگی مثل تهران  $\frac{1}{5}$  ازدواجها منجر به طلاق می گردد .

منابع :

- ۱ تا ۱۳ - نهج الفصاحة ، ترجمه ابوالقاسم یابنده ، انتشارات جسابویدان ، چاپ شانزدهم ، سال ۱۳۶۱
- ۱۴ - بحار الانوار جلد ۷۱ ص ۲۹۷
- ۱۵ - محجة البیضاء جلد ۵ صفحه ۱۹۴
- ۱۶ - نهج البلاغه
- ۱۷ - بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۲۷۲ به نقل از کتاب بنیادهای اخلاقی اسلامی ، تألیف مهدی حائری تهرانی ، انتشارات بنیاد فرهنگی امام المهدی (عج)
- ۱۸ - کلسان سعیدی ، ۱۳۶۹
- ۱۹ و ۲۰ - نهج الفصاحد